

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، مکاشفه

درس شماره ۵

باز شدن ملاقات یوحنا با مسیح جلال یافته!

مکاشفه ۱: ۱۲-۱۶، و آیه ۲۰

آیه حفظی برای ۱۵ ماه ژانویه سال ۲۰۲۶

کتاب مقدس، مکاشفه ۱: ۸

۸ من هستم الف و یا، اول و آخر، می‌گویند آن خداوند خدا، که هست و بود و می‌آید، قادر علی‌الإطلاق.

آیه حفظی برای ۲۲ ماه ژانویه سال ۲۰۲۶

کتاب مقدس، متی ۲۸: ۲۰

۲۰ و ایشان را تعلیم دهید که همه امور را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم. آمین.

ادامه می‌دهیم مطالعه کتاب مکاشفه یوحنا رسول را. لطفاً کتابهای مقدستان را به فصل اول کتاب مکاشفه باز بفرمائید. در جلسات گذشته، یک سری مطالب مقدماتی را مطالعه کردیم که برای درک درست کتاب مکاشفه، لازم هستند. سپس شروع کردیم به مطالعه بر روی پیش پرده از آمدن دوم خداوند عیسی مسیح و زمینه ملاقات یوحنا با مسیح جلال یافته. حالا می‌خواهیم بر روی باز شدن این ملاقات یوحنا با مسیح تمرکز کنیم در آیات ۱۲ الی ۱۶، و آیه ۲۰. کلام خدا می‌فرماید:

کلام خدا: ۱۲ پس رو برگردانیدم تا آن آوازی را که با من تکلم می‌نمودم بنگرم. و چون رو گردانیدم،

هفت چراغدان طلا دیدم؛

۱۳ و در میان هفت چراغدان، شبیه پسر انسان را که ردای بلند در بر داشت و بر سینه وی کمربندی

طلا بسته بود.

۱۴ و سر و موی او سفید چون پشم، مثل برف سفید بود و چشمان او مثل شعله آتش،

۱۵ و پایهایش مانند برج صیقلی که در کوره تابیده شود، و آواز او مثل صدای آبهای بسیار؛

۱۶ و در دست راست خود هفت ستاره داشت، و از دهانش شمشیری دودمه تیز بیرون می‌آمد، و چهره‌اش چون آفتاب بود که در قوتش می‌تابد.

۲۰ سر هفت ستاره‌ای را که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان طلا را. اما هفت ستاره، فرشتگان هفت کلیسا هستند: و هفت چراغدان، هفت کلیسا می‌باشند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مقدمه و مرور: در جلسه گذشته دیدیم، که زمینه ملاقات یوحنا با خداوند عیسی مسیح نکات خاصی داشت. ایمانداران مسیحی در امپراطوری روم از هر نظر تحت جفا بودند:

سیاسی: از نظر سیاسی خائن شمرده می شدند چون حاضر نبودند قیصر روم را به عنوان بالاترین مقام اقتدار بپذیرند. حاضر نبودند قیصر را به عنوان خدا پرستش کنند. و جلساتشان خصوصی و در شب می بود. مقامات رومی فکر می کردند که مشغول توطئه چینی بر ضد دولت هستند.

مذهبی: از نظر مذهبی آتیست یا بیخدا شمرده می شدند چون خدایان روم را رد می کردند. بجای خدایان قابل دیدن و لمس، یک خدای نامرعی را پرستش می کردند. بخاطر عدم درک شان از آئین شام خداوند تهمت آدم خواری به مسیحیان زده می شد. و یا چون یکدیگر را برادر و خواهر می نامیدند و با هم ازدواج می کردند، تهمت زنا با محارم به آنان می زدند.

اجتماعی: از نظر اجتماعی چون اکثر ایمانداران مسیحی قرن اول از طبقه پائین جامعه می بودند، چنانکه ۱ قرنیتان ۱: ۲۶ نیز آن را تانید می کند، اشرافیت روم به نگاه حقارت به آنان می نگرست. تعلیم انجیل مقدس که همه انسانها با هم برابراند و همگی در سیرت خدا آفریده شده اند (غلاطیان ۳: ۲۸، کولسیان ۳: ۱۱)، آن ساختار طبقه بندی شده جامعه روم را بهم می ریخت، و آن نور چشمی های جامعه روم را از مزایای خاص خودشان محروم می کرد.

اقتصادی: از نظر اقتصادی هم جامعه روم، مسیحیان را بصورت یک خطری برای درآمد کاهنین بتخانه ها، صنعتگران و تجار بتها در نظر می گرفتند، که حتی در برخی موارد به شورش و خشونت بر ضد مسیحیان می انجامید مانند شورش که در شهر افسس رخ داد (اعمال رسولان ۱۹: ۲۲).

بدبینی و خرافات نسبت به مسیحیان را، تورتولین یکی از الاهیات دانان کلیسا در قرن سوم میلادی بخوبی بیان کرده است. او می نویسد: " اگر رود تیبریوس در ایتالیا تا دیوارها بالا بیاید، اگر رود نیل در مصر آبهای خود را بر کشتزارها نفرستد، اگر آسمان باران نباراند، اگر زلزله‌ای رخ دهد، اگر قحطی یا طاعون پدید آید، بی‌درنگ فریاد برمی‌خیزد: مسیحیان را به سوی شیرها ببرید!"

امروزه هم هستند خرافه پرستانی که می گویند وقتی کسی مسیحی می شود بلا و لعنت بر خودش و خانواده اش فرود می آید. امروزه هم هستند کشورهای که در آنها انواع اقسام تبعیضات بر ضد ایمانداران مسیحی به عمل می آید.

وضعیت مسیحیان در امپراطوری روم در سه دهه بعد از مرگ و قیام مسیح چنین بود که زیر پوشش یهودیت بشمار می رفتند، و چون یهودیت به عنوان یک دین قانونی در امپراطوری روم شناخته شده بود، مسیحیان از این نظر برخی حقوق مدنی و مذهبی را دارا بودند. ولی پس از ضدیت‌های ملایان یهودی با مسیحیان، روم سیاست خودش را نسبت به مسیحیان تغییر داد و ایمان مسیحی به عنوان یک دین غیر قانونی شناخته شد. ولی هنوز جفای سیستماتیک بر ضد مسیحیان در امپراطوری روم شروع نشده بود تا زمان نرون (۵۴ تا ۶۸ میلادی).

در دروان حکومت نرون، ایمان مسیحی نه فقط یک دین غیر قانونی شناخته شد، بلکه همچنین نرون برای اینکه به هدفش برای بازسازی شهر روم برسد، خودش شهر روم را به آتش کشید و آتش سوزی بزرگ روم را سبب شد در **تاریخ ۱۹ جولای سال ۶۴ میلادی**. و برای اینکه سئوژن و مردم را از خود دور کند تقصیر آتش سوزی را به گردن مسیحیان انداخت. در دروان او بسیاری مسیحیان کشته شدند منجمله پطرس و پولس رسول. ولی جفا بر ضد مسیحیان هنوز سرتاسری نشده بود.

۳۰ سال بعد، حدود سال ۹۴ میلادی، در دوران حکومت دومیتیان (۸۱ الی ۹۶ میلادی) جفای رسمی و همگانگی در سرتاسر امپراطوری روم شروع شد. در دروان حکومت او یوحنا رسول به جزیره پطمس تبعید می شود و شبان کلیسای پرغامس، انطیپاس را زنده زنده در دیگی بزرگ پر از روغن داغ سرخ کردند (مکاشفه ۲: ۱۳).

بنابراین، خوانندگان کتاب مکاشفه در قرن اول میلادی، و در هر قرنی که تحت جفا می بودند، از این رویای یوحنا از مسیح جلال یافته، در فصل اول مکاشفه، که هم اکنون در میان کلیساهای خودش می خرامد و عمل می کند، تسلی، تشویق، و امید می یافتند. از این حقیقت که مسیح بر می گردد و جفاکنندگان بر کلیسایش را نابود خواهد ساخت، و کلیسای مسیح در نهایت پیروز خواهد شد، تسلی و امید می افتند.

مطالعه امروز: باز شدن ملاقات یوحنا از مسیح جلال یافته، مکاشفه ۱، آیات ۱۲-۱۶، و آیه ۲۰

در آیات ۱۲-۱۶ و آیه ۲۰ این ملاقات یوحنا از مسیح جلال یافته برای ما باز می شود. در این آیات می بینیم خدماتی که اکنون مسیح در کلیسا انجام می دهد:

۱- مسیح به کلیسایش قدرت می بخشد، آیات ۱۲-۱۳ قسمت اول آیه، و آیه ۲۰ قسمت دوم آیه

۱۲ پس رو برگردانیدم تا آن آوازی را که با من تکلم می نمود بنگرم. و چون رو گردانیدم، هفت چراغدان طلا دیدم؛

۱۳ و در میان هفت چراغدان، شبیه پسر انسان، ۲۰ و هفت چراغدان، هفت کلیسا می باشند.

یوحنا بر می گردد تا آن شخصی را که با او صحبت می کرد را ببیند و هفت چراغدان طلا می بیند. آیه ۲۰ مشخص می کند که این هفت چراغدان هفت کلیسا می باشند، سمبلی هستند از کلیسای مسیح. و سه نکته در موردشان می گوید: **هفت چراغدان طلا!**

عدد هفت: هفت عدد کاملیت است، و نشانه چراغدان منورا در خیمه عبادت، در خروج ۲۵: ۳۱-۴۰، خداوند به موسی چنین فرمان می دهد:

۳۱ «و چراغدانی از طلای خالص بساز، و از چرخکاری چراغدان ساخته شود؛ قاعده اش و پایه اش و پیاله هایش و سیبهایش و گلهایش از همان باشد.

۳۲ و شش شاخه از طرفینش بیرون آید، یعنی سه شاخه چراغدان از یک طرف و سه شاخه چراغدان از طرف دیگر.

۳۷ و هفت چراغ برای آن بساز، و چراغهایش را بر بالای آن بگذار تا پیش روی آن را روشنایی دهند.



چراغدان: سمبلی برای کلیسا که باید نور مسیح را در جهان پخش می کند، فیلیپیان ۲: ۱۵

۱۵ بی عیب و بی پیرایه و چون فرزندان خدا بی ملامت باشید، در میان قومی کجرو و گردنکش که در آن میان چون ستارگان در جهان می درخشید،

اینها ۷ کلیسا واقعی در هفت شهر واقعی بودند و در ضمن بطور کلی و عمومی، نماینگر تمامی کلیساهای در تاریخ و در جهان هستند. بخاطر داشته باشید که عدد هفت کاملیت را می رساند.

طلا: فلزی بسیار گرانبها، کلیسا نفیس ترین، گرانبهاترین نهادی است که خداوند عیسی مسیح بر جهان گذاشته است و با خون خود برای خود خریده است، اعمال رسولان ۲۰: ۲۸:

۲۸ کلیسای خدا را رعایت کنید (پرورش دهید) که آن را به خون خود خریده است.

ما موظف هستیم این نفیس ترین، گرانبها ترین نهاد الهی، کلیسای مسیح را خدمت کنیم و پرورش دهیم. او خون خودش را برای کلیسا داد.

و سپس در آیه ۱۳ می فرماید که یوحنا در میان هفت کلیسا مسیح را دید که پر جلال و پر قدرت در میان کلیساهایش می خرامد: **در میان هفت چراغدان، شبیه پسر انسان** می خرامید. این لقب پسر انسان در دانیال فصل ۷: ۱۳ هم برای مسیح بکار رفته است، وقتی که در رویای دانیال، مسیح موعود بعد از انجام ماموریتش، بعد از مرگ و قیامتش، صعود کرده و بحضور پدر آسمانی می آید:

۱۳ و در رویای شب نگریستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم‌الایام رسید و او را به حضور وی آوردند.

در متی ۲۸: ۲۰ در آن ماموریت اعظم، مسیح وعده داد که همیشه با کلیسایش می ماند و به آن قوت می بخشد:

۲۰ و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم. آمین.

و این دقیقا کاری است که اکنون دارد انجام می دهد. آیا آگاه هستید که خداوند کلیسا در کلیسای شما می خرامد و همه چیز را می بیند؟